زیر آسمان فیروزه‌ای

افتتاح «آرت‌اکسپوی تبریز» با حضور لیلی گلستان

● **گروه هنر:** نخستین «نمایشگاه فروش آثار نقاشی - آرت‌اکسپوی تبریز» در حالی از امروز تا ۲۷ شهریور در تبریز برگزار می‌شود که لیلی گلستان، مترجم، گالری‌دار و کارشناس هنر جزء مدعوین افتتاحیه است. گلستان که امروز در افتتاحیه این اکسپو در تبریز حضور خواهد داشت، از برپایی ورک‌شاپ خود برای نقاشان این شهر خبر داد. مدیر گالری گلستان ضمن تمجید از برپایی اکسپوها در شهرستان‌های ایران درباره ورک‌شاپ خود گفت: «هدف از این ورک‌شاپ گفت‌وگو و تبادل نظر با نقاشان و آشناکردن آنها با نحوه برگزاری نمایشگاه در تبریز و خارج از آن است». همچنین مجید فتحی مدیر «اولین آرت‌اکسپوی تبریز» به هنرآنلاین گفت: تبریز در عرصه هنرهای تجسمی یکی از شهرهای برجسته ایران است اما به جهت اینکه آثار هنری در این شهر به شکل صحیح آن عرضه نمی‌شود و گالری‌ها فعالیت‌های مستمری ندارند، هنرمندان تبریزی مجبور هستند به تهران و استانبول عزیمت کنند. او ادامه داد: ما با هدف اینکه بازار ثابت فروشی را در این شهر ایجاد کنیم، از دو سال قبل رایزنی‌هایی را با متخصصان این حوزه انجام دادیم و در نهایت با همکاری مدیریت هتل کایا لاله پارک تبریز که صاحب آن، خود از هنردوستان و مجموعه‌داران تبریز است، توانستیم این بازار هنری را برپا کنیم. به گفته مدیر آرت‌اکسپوی تبریز به دلیل اینکه کیفیت برگزاری در دوره اول بالا برود، نمایشگاه و فروش آثار در این دوره به هنرمندان تبریزی محدود شده و فقط نقاشان تبریزی حضور دارند. ۱۸۰ اثر از ۴۵ نقاش برجسته تبریزی با قیمت میانگین بین ۲ تا ۲۵ میلیون تومان در این آرت‌اکسپو به نمایش درمی‌آید. فتحی اظهار کرد: از آنجا که ما می‌خواهیم جریانات تجسمی در تبریز را به سمت حرفه‌ای‌ترشدن ببریم و برای فعال‌شدن گالری‌ها اقداماتی صورت بدهیم، تصمیم گرفتیم مجموعه سمینارها و ورک‌شاپ‌هایی را در جریان این رویداد برگزار کنیم که هم هنرمند و هم خریداران برای سال‌های آینده با نگاه روشن‌تری در این رویداد حضور پیدا کنند.

جشنواره فیلم پرواز برگزار می‌شود

● **شرق:** دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فیلم پرواز آغاز به کار کرد. این جشنواره قصد دارد با آگاه‌سازی از طریق رسانه قدرتمند سینما، نگرش جامعه را به موضوع مهم معلولیت تغییر دهد. بخش‌های این جشنواره عبارتند از: «فیلم کوتاه/ مستند/ انیمیشن/ نگاه همراه (فیلم‌های موبایلی)/ فیلم‌نامه. فراخوان این جشنواره به‌زودی اعلام خواهد شد و برای اطلاع از اخبار این جشنواره می‌توانید از طریق راه‌های ارتباطی زیر در جریان اخبار جشنواره قرار بگیرید.

کانال فارسی @parvaz_iff_ir
کانال انگلیسی @parvaz_iff
صفحه اینستاگرام @parvaz_iff
وب‌سایت www.parvazfilmfestival.ir

عکس‌ها: رئوفه رستمی، شرق

افتتاح «خانه تنبور» با حضور بزرگان موسیقی ایران

سازی که صاحبِ خانه شد

سمیه قاضی‌زاده، خبرنگار «شرق»، کرمانشاه: ماجرا از یک تماس تلفنی ساده به علی‌اکبر مرادی، نوازنده برجسته تنبور، آغاز شد. تماسی که خبر از افتتاح خانه تنبور در یکی از روستاهای کرمانشاه در حوالی دالاهو می‌داد؛ افتتاحیه‌ای با حضور بزرگان موسیقی ایران؛ کیهان کلهر، شهرام ناظری، حسین علیزاده، محمدرضا درویشی و علی‌اکبر شکارچی. خبر به اندازه کافی جذاب بود که همسفر استادان موسیقی شوم. جمعی ۱۰، ۱۲نفره از استادان موسیقی و چند روزنامه‌نگار از تهران راهی دالاهو شدیم. حضور علی‌اکبر مرادی، نوازنده مهجور تنبور و تلاش‌های ۱۰ساله او برای افتتاح این خانه، در کنار دوستی قدیمی و همکاری‌های مختلف او با دیگر استادان موسیقی، همه و همه باعث شده این جمع که حتی در تهران هم به‌سختی می‌شود آنها را کنار هم جمع کرد، در اینجا دور هم جمع شوند و این اتفاق را در بیست‌ویکمین روز شهریور ۹۶ جشن بگیرند.

بعد از صرف ناهار سنتی کرمانشاه و استقبال، فعالیت‌های روزهای گذشته رمق مرادی را گرفته؛ تاآنجاکه رانندگی را به رئوفه، عکاس ما، می‌سپرد و تنها برای لحظاتی به چشم‌هایش استراحت می‌دهد. با لهجه شیرین کردی‌اش به رئوفه می‌گوید: «شما امانتید و برای کمک به ما آمده‌اید، با احتیاط برو». در تمام راه ما را میهمان تنبورنوازی‌هایش می‌کند که از ضبط ماشین در حال پخش است. همین‌طور که از کنار مزارع بلال رد می‌شویم و کوه‌های دالاهو را از دور می‌بینیم، از او می‌پرسم استاد چرا اینجا خانه تنبور را درست کردید؟ می‌گوید: «کسانی که اینجا می‌آیند، حتما خیلی موسیقی یا تنبور را دوست دارند؛ اینجا آمدن هوسی نیست. وقتی برای کلاس‌های من در تهران از سیستان‌وبلوچستان می‌آیند، برای خانه تنبور هم می‌آیند. نگران نیستم. ضمن اینکه زمین این بنا، ارث پدری من بوده است و من در همین روستا زندگی می‌کنم».

بانزلان علیا را رد می‌کنیم و به بانزلان سفلی می‌رسیم، از دور بنای زیبای خانه تنبور را بر فراز تپه‌ای در دشت در کنار دریاچه سد آزادی می‌بینیم. ساعت سه‌ونیم بعدازظهر است. ماشین‌های زیادی بیرون محوطه خانه ایستاده‌اند و صدای سرنا و دهل فضا را پر کرده است. مردان با لباس‌های کُردی و سنجاق‌سینه‌هایی که نشانه موسیقی دارد، روی پله‌ها و اطراف خانه برای خوشامدگویی ایستاده‌اند. زنان با لباس‌های رنگارنگ کردی، با روسری‌های شاد، با کودکانشان در دست و بغل، زیر نور آفتاب تند شهریور دامنه دالاهو نشسته یا ایستاده‌اند. گروه گروه مردان، پیر و جوان، خودشان را برای رقص کردی آماده می‌کنند و فضای پرشوری را رقم می‌زنند. از پیش اعلام شده مراسم ساعت شش شروع می‌شود. دسته‌دسته به تعداد آدم‌ها افزوده می‌شود و استادان موسیقی در هلهله مردم وارد ساختمان خانه می‌شوند. طبیعت اطراف چنان همه - به‌ویژه ما پایتخت‌نشین‌ها - را به وجد آورده که گذر زمان آسان می‌شود. مراسم اختتامیه جشنواره کهن آواهای تنبور و افتتاحیه خانه تنبور در ازدحام جمعیت و فریادهای شادی مردم به‌ویژه برای شهرام ناظری و کیهان کلهر که همشهری‌هایشان هستند، آغاز می‌شود. بعد از خیرمقدم، دو هنرمند سرنانواز و دهل‌زن لحظات کوتاهی را به اجرای قطعات می‌پردازند. بعد از آن، شبستری، مدیر اجرائی جشنواره کهن آواهای تنبور و شاه‌حسینی، معاون سیاسی - امنیتی استانداری کرمانشاه، صحبت‌هایی درباره افتتاح این خانه می‌کنند و در ادامه، هنرمندان بوکان به اجرای قطعه می‌پردازند.

علی‌اکبر مرادی، مردی که تمام این اتفاق‌ها به همت او شکل گرفته، میان تشویق‌های بی‌امان همشهریانش روی صحنه می‌آید. او حالا شمایل مردی است که نشدنی را شدنی کرده. خارج از فضای پایتخت اتفاقی را رقم زده که نمی‌شود نادیده‌اش گرفت. جانش را گذاشته تا این اتفاق بیفتد. پشت میکروفون می‌رود: «تنها کسی که در تمام دنیا به کمک من آمد، بهروز بیات، معمار این بنا بود؛ اگر ناواردی در آن می‌بینید، از چشم من ببینید. خوشبختانه آقای شاه‌حسینی مشکل ما را حل کرد. مسئولان در دولت آقای روحانی مشکل مجوز را حل کردند. همین‌طور همسرم و فرزندم بسیار کمک‌حالم بودند که در این لحظه از آنها سپاسگزارم. این مرکز برای هنر و جایی برای خدمت به هنر است. خانه تنبور برای همه است».

مرادی در خیل سوت‌وکف‌ها بدرقه می‌شود تا سیروان خالدی روی سن بیاید و آواز سیاه‌چمانه بخواند.

محمدرضا درویشی سخنران بعدی است. او که از کم‌حرف‌ترین اهالی موسیقی است، می‌گوید: «به عنوان یکی از اهالی موسیقی، خیلی خوشحالم این جمعیت عظیم را اینجا می‌بینم؛ جمعیتی که به‌خاطر چیزی جز موسیقی اینجا جمع نشده‌اند و تنها برای افتتاح تنبورخانه یا جشنواره آمده‌اند. من شهادت می‌دهم که مرادی ۱۲ سال با جان و مال خودش شخصا در این برهوت به ساخت این خانه اقدام کرد؛ مکانی که بدون کمک هیچ نهادی احداث شده است. در دولت‌های پیشین کارشکنی‌ها تا آنجا پیش رفت که می‌خواستند بنای این خانه را تخریب کنند؛ اما سرانجام این ادراک به وجود آمد که اینجا مرکزی فرهنگی است برای ساز تنبور، جای سیاسی نیست. به جرئت می‌گویم هرکسی از احداث و راه‌اندازی این خانه ممانعت کرد، مرتکب اشتباه شده است و تشکر می‌کنم از هر مسئولی که سعی در بازگشت به آن داشته است. مرادی بدون هیچ پشتوانه‌ای جان و مالش را برای اینجا گذاشت. من امیدوارم جوانان، نه تنها از دالاهو، بلکه از دیگر نقاط کشور هم از این خانه تنبور استفاده کنند.

بعد از او کیهان کلهر که به‌تازگی مجموعه کنسرت‌هایش با موفقیت به پایان رسیده، روی صحنه آمد و در چند جمله کوتاه خوشحالی‌اش از وقوع این رخداد فرهنگی را اعلام کرد و گفت: «خوشحالم بعد از ۱۵ سال این اتفاق افتاده. سال ۸۱ بود که مرادی تصمیم به احداث تنبورخانه گوران گرفت و حالا بعد از این سال‌ها خوشحالم از اینکه این آرزو به ثمر نشست».

در ادامه شهریار و داریوش قبادی دو نوجوان تنبورنواز به دونوازی تنبور پرداختند تا لحظاتی بعد، شهرام ناظری روی سن بیاید. او صحبت‌هایش را این‌طور آغاز کرد: «به هم‌ولایتی‌ها و همشهریان خودم سلام می‌کنم و از حضورشان متشکرم. این همیت و غیرت علی‌اکبر مرادی و مهندس بهروز بیات دوست دوران کودکی من است که امروز این خانه افتتاح شده و تشکر می‌کنم از هر دوی آنها. بعدها تاریخ درباره این خانه قضاوت خواهد کرد و نام آنها به نیکی خواهد آمد، کسانی که خواستند تخریب کنند روسیاهی بر آنها می‌ماند». بعد از صحبت‌های مجری درباره اهمیت جایگاه استاد شجریان و شهرام ناظری، ناظری جمعیت حاضر را میهمان دو قطعه براساس اشعار مولانا و یک قطعه کُردی کرد که با تشویق فراوان همشهریانش روبه‌رو شد.

حسین علیزاده هم در پی سخنان و اجرای ناظری که در چندسال اخیر به شوالیه آواز ایران مشهور شده است، روی صحنه آمد و به عنوان شوالیه معترض شد. او صحبت‌هایش را با تشکر از مرادی آغاز کرد و گفت: «نام علی‌اکبر مرادی نیازی به هیچ عنوانی ندارد. به عقیده من اتفاق امروز یکی از بهترین اتفاق‌ها برای دولت ایران است نه فقط تنبور و موسیقی. ملت ایران همیشه نشان داده وقتی برای عشق دورهم جمع می‌شوند هیچ تشنجی و اتفاقی وجود ندارد و نیاز به هیچ حفاظتی ندارد. ما ایرانی هستیم و ساز تنبور به همه ما تعلق می‌گیرد و حتی به شخص خود من که تنبورنواز نیستم نیز تعلق دارد همان‌طور که هر ساز ایرانی و هر فرهنگ ایرانی به همه ایرانیان تعلق می‌گیرد. ایران یکی از سرزمین‌های بزرگ دنیاست که شاید به لحاظ اینکه فرهنگ‌های متنوعی را در خود جای داده است نظیر آن در دنیا کم باشد و حتی از نظر موسیقی بومی به‌لحاظ اقوام متعددی که وجود دارد، ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیاست».

او افزود: کشور ایران دارای موسیقی بسیار غنی است و مردم ایران و دنیا این مسئله را نمی‌دانند.

سالیان بسیاری است که به موسیقی کم‌لطفی شده اما موسیقی به لطف کسی نیاز ندارد و در قلب همه وجود دارد و مانند نفس‌کشیدن همیشه در جریان است. در اطراف ما موسیقی به‌طور طبیعی وجود دارد و تنها با ساز نواخته نمی‌شوند؛ مانند یک تابلو نقاشی‌شده از تصویر یک طبیعت.

این آهنگساز در ادامه گفت: من به شهر کرمانشاه غیرت دارم و تا حدودی با موسیقی این منطقه آشنا هستم و دو هنرمند بزرگ شهرام ناظری و کیهان کلهر متولد این شهر هستند بنابراین وقتی صحبت از این دو دوست می‌شود، صحبت از دو هنرمند ایرانی است که در دنیا محبوبیت دارند اما دو عنوان وجود دارد که باید از فرهنگ خودمان حذف کنیم. نخست مسئله شوالیه است که نمی‌دانم چرا اینقدر به این کلمه تکیه می‌شود؛ آیا شهرام ناظری به‌تنهایی گویا نیست؟! وقتی اسم شهرام ناظری برده می‌شود قلب همه برای او می‌لرزد و نیازی به پسوند شوالیه ندارد. عنوان شوالیه برای هنرمند بزرگ کشورمان باب خنده خود فرانسوی‌ها شده است. ما باید افتخار کنیم شهرام ناظری یک هنرمند ایرانی یا کرمانشاهی است و خود من بشخصه برای اینکه ایرانی بمانم و حسین علیزاده باشم نشان شوالیه را قبول نکردم. هنرمندان دیگری هم قبل و بعد از شهرام ناظری بودند که عنوان شوالیه را گرفتند اما هیچ‌گاه به دنبال اسم خود آن را اضافه نکردند. به‌طور مثال هیچ‌کس به آقای شجریان نمی‌گوید شوالیه و او را محمدرضا شجریان خطاب می‌کنند.

او در ادامه صحبت‌هایش درباره کلهر گفت: دومین موضوع کیهان کلهر است که همه جا این هنرمند را کمانچه‌نواز جهانی می‌نامند. یعنی ما در جهان کشوری به نام ایران نداریم. چرا هر زمان می‌خواهیم جهانی باشیم نام ایران را حذف می‌کنیم. کیهان کلهر هنرمند، آهنگساز و کمانچه‌نواز بزرگ یک ایرانی است و نباید با عناوین برتر دادن غیرایرانی باعث تمسخر دیگران شویم. این جوایز حق این هنرمندان است و مبارکشان باشد. بعد از صحبت‌های علیزاده، پرتوی کرمانشاهی شاعر پشت میکروفون قرار گرفت و به ایراد اشعار کردی پرداخت. اجرای هوره و مور از آواهای باستان لک بخش بعدی مراسم بود. اهدای جوایز به برگزیدگان جشنواره آواهای کهن تنبور با حضور تمامی استادان حاضر موسیقی ایران پایان‌بخش این مراسم بود که بیش از سه ساعت به طول انجامید اما بارقه‌های امید را نه‌تنها در دل و جان اهالی کرمانشاه که در دل تمامی ایران روشن کرد.

●●●

در حاشیه: کیهان کلهر و حسین علیزاده با خانواده مشهدی‌ای که در اعتراض به لغو کنسرت‌ها راهپیمایی ۶۰ روزه خود را از مشهد به دور ایران آغاز کرده بودند، دیدار و در این دیدار از حرکت این خانواده تقدیر کردند.

اعتراض محسن حسینی به توقیف زودهنگام فروغ ساراپینا

این تئاتر طاعون‌زده است

گروه هنر: محسن حسینی حیرت‌زده است از اینکه به‌دلیل به‌سقف‌نرسیدن فروش نمایش «فروغ ساراپینا»، این نمایش به‌طور ناگهانی از جدول تماشاخانه ایرانشهر بیرون کشیده شده و به‌جای آن نمایش «ماتریوشکا» کار پارسا پیروزفر را جایگزین کرده‌اند. این کارگردان که تاکنون ۱۲ نمایش کار کرده، می‌گوید چهار نمایش را در آلمان و هشت نمایش را در تهران به صحنه آورده‌ام که از این تعداد تاکنون به سه نمایش به دلیل ممیزی اجازه اجرا نداده‌اند که اولی «گیلگمش» در سال ۷۹، «آنتون آرتو» در سال ۸۹ و امروز هم «فروغ ساراپینا» را قربانی ندانم‌کاری‌های این روزها کرده‌اند که زودتر از موعد قبل از اینکه ۱۰ اجرای دیگرش را داشته باشد، از جدول ایرانشهر حذف کرده‌اند. حسینی تاکید می‌کند که این یک توطئه است که مدیران تماشاخانه ایرانشهر بی‌آنکه کار را دیده باشند، به دلیل آنکه موضوع آن درباره فروغ فرخزاد، شاعره نامدار ایرانی که از شهرت جهانی برخوردار است و همچنین پرداختن به مسائل روز زنان مانع از تداوم این اجرا در روال عادی‌اش شده‌اند. او از حسین پارسایی نام می‌برد که بیشتر مدیر سیاسی است و اصلا اطلاعی از مؤلفه‌های مدیریت فرهنگی ندارد و به‌همین‌دلیل خیلی راحت از یک کار که خوشش نیاید زودتر از موعد انتظار دارد که از تداوم برنامه‌اش جلوگیری کند و او تأکید می‌کند که با جابه‌جایی مدیران شهرداری خودشان هم بهتر می‌دانند که به‌زودی باید اینجا را ترک کنند و البته بهتر است که آثار برجسته تئاتری را که نباید در آن، خندانده و آوردن چهره‌های مطرح سینمایی عامل فروش تلقی شود، مورد حمایت مادی و معنوی قرارگیرند و این بسیار ظالمانه است که به نمایش فروغ ساراپینا اجازه ندهند که در مسیر عادی‌اش کار کند و به آن نسبت مخاطب خاص بدهند، درحالی‌که این کار فرهنگی است و هر تماشاگری می‌تواند از آن لذت معنوی ببرد، اما قرار نیست در آن طنز و کمدی ملاک باشد، چون تئاتر انواع خود را دارد و این اثر نیز با پرداختن به مسائل زنان در قالب کرئوگرافی به دنبال بیان ارزش‌های فرهنگی است، درحالی‌که در این ۴۰ سال اکثر آثار مورد عنایت یک ریال هم ارزش ارائه نداشته‌اند، اما با گرفتن بودجه‌های کلان همواره مطرح بوده‌اند. حسینی می‌گوید قرار است مرکز هنرهای نمایشی به کارش ۲۰ میلیون تومان کمک‌هزینه بدهد، اما به‌موقع پرداخت نشده و این عاملی شده است که هزینه‌ای برای تبلیغات نداشته باشند، اما روابط‌عمومی ایرانشهر هم هیچ گلی به سر کارهایی که مدنظرشان نیست نمی‌زند و برخی از گروه‌ها با معیارهای فرهنگی قربانی این وضعیت ضدفرهنگی خواهند شد و این نوعی فاجعه است که در آن به گفته آنتونن آرتو، تئاتر طاعون‌زده یا طاعون تئاتر به تماشا گذاشته شده است. این کارگردان به طور جدی در این ۱۷ سال در ایران مانده و تئاتر برایش امری فرهنگی است و برای ارائه هر کاری طرح‌هایش را که گویای مطلب روشنی است، ارائه می‌کند و تمام منابع کارش را هم از فروشگاه‌های فرهنگی که ارائه‌دهنده قانونی کالای فرهنگی هستند، تهیه می‌کند، اما جالب اینجاست که ممیزها آشنایی‌ای با فیلم «خانه سیاه است» فروغ فرخزاد نداشته‌اند و فکر کرده‌اند که حسینی خودش این فیلم سیاه را ساخته و این، درددل این کارگردان را دوچندان می‌کند که در این گرداب ناشناختگی‌ها چگونه باید یک هنرمند حضورش و عرضه اثرش را دشنی کند؟!

از فرط بی‌خوابی

مدیران دوران تردید

مهرداد حجتی

● دهه ۶۰، دهه ستیز با ستاره بود. ازهمین‌رو نه تلویزیون ستاره می‌ساخت، نه سینما. مشکل در نگاه مدیران بود که می‌خواستند الگویی ساخته نشود که در زندگی خصوصی احیانا اگر خطایی از آن ستاره سر زد، آنها خود را سرزنش کنند! که حالا چگونه آن خطا را توجیه کنند؟ به همین خاطر سال‌ها با ستاره‌سازی مخالفت شد، حتی در زمین فوتبال! چون همان مدیران معتقد بودند فوتبال موجب سرگرمی مردم می‌شود! همه را از کار و زندگی می‌اندازد و این با آرمان‌ها نمی‌خواند! به‌ویژه آنکه بازیکنان فوتبال از نظر آنها در جایگاهی نبودند که بتوانند ستاره‌های جامعه باشند! ستاره‌هایی که بتوان به‌عنوان سرمایه روی آنها حساب کرد و احیانا به‌عنوان چهره محبوب بر آنها صحه گذاشت. تلویزیون هم فوتبال را به شکل زنده پخش نمی‌کرد. هیچ مسابقه فوتبالی را زنده پخش نمی‌کرد، چون همان گروه از مدیران همیشه نگران تأثیر سوء آن بر مردم بودند. به‌عبارتی فوتبال را پدیده‌ای غربی می‌دانستند که سویه استعماری داشت. تحلیلشان هم این بود که در رژیم گذشته برای دورنگاه‌داشتن جامعه از گرفتاری‌هایشان، آنها را به این وسیله سرگرم می‌کرده‌اند تا نگاهشان به‌جای زیرذره‌بین‌گذاشتن دولتمردان به سمت دیگری معطوف شود. این مدیران معتقد بودند قصد مدیران قبل در همه حوزه‌های فرهنگی، دورنگاه‌داشتن نگاه مردم از دولت بوده و تنها راه این کار سرگرم‌کردن مردم بوده است. به همین دلیل در طول نزدیک به یک دهه با هر نوع سرگرمی‌سازی مقابله و هرگونه نمادهای سرگرمی به کناری نهاده شدند! اما این وضعیت دوام نیافت، چون می‌شد این‌گونه فهمید که مدیرانی آگاه‌تر به تحلیل روشن‌تری از وضعیت جامعه رسیده‌اند. براین‌اساس که اگر همه مردم در زمان گذشته مدام سرگرم همین سرگرمی‌ها بوده‌اند پس چه کسی انقلاب کرد؟! پرسشی که می‌توانست اساس استدلال مدیران دهه ۶۰ را به چالش بکشد و آنها را ناچار به پذیرش تغییر کند؛ یا تغییر خودشان یا تصمیماتشان!

در سال‌های آغازین دهه ۷۰ تلویزیون مخالف سرگرمی، به‌ناگاه برنامه طنز تدارک دید؛ برنامه‌هایی پربیننده که بسیاری از همان انقلابیون را هم پای تماشای خود نشاند و به‌یک‌باره تحولی تازه رقم خورد. پخش فوتبال قطره‌ای! جای خود را به پخش زنده مسابقات مهم داد. داربی پرسپولیس - استقلال برای نخستین‌بار پس از انقلاب به شکل زنده روی آنتن رفت و مردم را غافلگیر کرد. سینما هم نفسی کشید و اجازه یافت غیر از مضامین اختلافات زن‌وشوهری، مضامین دیگری را هم کوک کند و این‌چنین دوران تازه‌ای را آغاز کرد، اما این همه داستان نبود. فضای بسته دهه ۶۰، تأثیر خود را گذاشته بود. گروهی از مدیران همچنان بر همان نگاه پا می‌فشردند و گروهی دیگر ادامه آن وضع را اصلا به‌صلاح نمی‌دانستند. همین افتراق، دو نگاه را وارد عرصه مدیریت فرهنگ کرد؛ دو نگاهی که مدام در طول نزدیک به سه دهه فضای فرهنگی جامعه را دچار قبض و بسط کرد و همچنان هم این افتراق ادامه دارد. هرگاه مدیرانی از جنس دهه ۶۰ بر سر کار می‌آیند، همان نگاه را اعمال می‌کنند و هرگاه مدیرانی از جنس دهه ۷۰، نگاهی متفاوت از آن مدیران را اعمال می‌کنند؛ تعارضی که گاه در شکل کلان و خرد مدام خود را نشان می‌دهد و همه عرصه فرهنگ و هنر را زیر تأثیر می‌گیرد. زمانی که در ابتدای دهه ۷۰، تلویزیون برنامه موفق «نوروز ۷۲» را با درخشش گروهی هنرمند جوان و نوگرا روی آنتن برد، کمتر کسی تصور می‌کرد که تا دو دهه بعد، همچنان بسیاری از همان جوانان چهره‌های موفق طنز باقی بمانند و سینما و تلویزیون برای جذب مخاطب بیشتر ناچار به استفاده مدام از آنها باشد؛ چهره‌هایی که دو دهه بعد دیگر جوان نبودند و هر یک سروشکل متفاوتی پیدا می‌کردند. مهران مدیری، رضا عطاران، سعید آقاخانی و مهران غفوریان، از موفق‌ترین‌های آن دوران بودند؛ کسانی که در ابتدای دهه ۷۰ با سن‌وسال کم، کار طنز تلویزیونی را آغاز کردند و دو دهه بعد به‌عنوان ستارگان بی‌چون‌وچرای این عرصه تجربه‌های پرشماری را رقم زدند، هرچند که دیگر آنها یک «تیم» باقی نماندند و ترجیح دادند تا هر یک جدا از هم تجربه‌های خود را دنبال کنند. اما بااین‌حال سه نفر از آنها به توفیق‌های چشمگیرتری رسیدند؛ مهران مدیری که حالا سرآمد طنزسازان تلویزیونی شده است. رضا عطاران که با چند سریال طنز خود را به‌عنوان یک طنزپرداز مؤلف تثبیت کرد و سعید آقاخانی که تجربه‌های غیرطنز او، همه را غافلگیر کرده است. البته همه آن گروه طنازان کماکان چهره‌های طنز این سال‌ها باقی مانده‌اند و ای‌بسا در سال‌های بعد هم باقی بمانند، اما آنچه تغییر کرد، نگاه مدیرانی بود که سرگرمی را برای جامعه برنمی‌تافتند! سرگرمی نه‌تنها موقعیت این مدیران را متزلزل نکرد، بلکه بر موقعیتشان افزود و آنها را بیش‌ازپیش تثبیت کرد. استقبال جامعه از سرگرمی‌های تلویزیونی، هم آمار مخاطبان را افزایش داد و هم این امکان را فراهم کرد تا برای نخستین‌بار چند چهره گمنام جوان ستاره شوند؛ تابویی که شکسته شد و تلویزیون با تغییر رویکردی این‌چنین وارد دوران تازه‌ای شد. دهه ۷۰ نوید اتفاق‌های تازه می‌داد؛ اتفاق‌هایی که قرار بود از نیمه دوم آن، از «دوم خرداد» ۷۶ رفته‌رفته آغاز شوند.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

مناقصه گزار : شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران – منطقه کرمانشاه

شماره مجوز ۱۳۹۶،۲۷۹۰

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار	مهلت فروش اسناد از تاریخ چاپ دوم این آگهی تا تاریخ	تاریخ تسلیم پاکات به دبیرخانه منطقه با اخذ رسید	زمان جلسه توجیهی
۱	اجرای سیستم فومینگ و کولینگ مخازن ۱۰۲۱و ۱۰۲۲و ۱۰۲۵انبار نفت منطقه کرمانشاه	۷/۴۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۳۷۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال	۱۳۹۶/۰۶/۲۶	۱۳۹۶/۰۷/۰۵ تا پایان وقت اداری ساعت ۱۵	۱۳۹۶/۰۷/۰۲
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (شرکت در مناقصه) : یکی از تضامین معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی و به مبلغ مندرج در جدول فوق می باشد (در صورت واریز سپرده نقدی به شماره حساب جام دو طرفه بانک ملت ۹۲۰۰۰۳۰۴۹۴ با شناسه ۳۰۴۵۰ نزد بانک ملت)می‌باشد						در سالن کنفرانس منطقه

لذا از کلیه شرکت های فعال واجد شرایط دعوت بعمل می آید بعد از انتشار نوبت دوم این آگهی نسبت به دریافت اسناد مناقصه از دستگاه مناقصه گزار اقدام و تا آخر وقت اداری مطابق تاریخ تعیین شده جدول فوق نسبت به تحویل پاکات بصورت سر بسته و ممهور به مهر شرکت به دبیرخانه این منطقه به آدرس میدان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمانشاه - کدپستی ۶۷۱۴۷۹۹۵۱۹ اقدام و رسید دریافت نمایند و قابل برداشت بخشی از اسناد مناقصه از سایتهای http://Monaghese.niopdc و http://iets. mporg.ir متقاضیان جهت دریافت سی دی اسناد و سایر مدارک مناقصه میبایست مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ریال (بصورت غیرقابل استرداد) بحساب سیبای شماره ۴۱۲۰۰۳۰۴۰۰۰۰۸ با کد شناسه ۳۰۱۰۰۰۰۰۰۲۹ نزد بانک ملی شعبه نفت واریز و اسناد مناقصه را از واحد دبیرخانه منطقه دریافت نمایند. زمان بازگشایی پاکات چهارشنبه مورخ ۹۶/۰۷/۰۵ راس ساعت ۱۵:۳۰ عصر در سالن کنفرانس منطقه میباشد. پیشنهاد قابل قبول با استفاده از دستورالعمل تعیین دامنه قیمت های متناسب موضوع دستورالعمل شماره ۹۵/۶۱۷۷۰۸مورخ ۹۵/۱۲/۲۸وزارت نفت به استناد بخشنامه ۹۴/۱۵۸۷۶۴مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۳سازمان برنامه وبودجه کل کشور تعیین و برنده مناقصه مشخص خواهد شد.

● تضمین شرکت در مناقصه باید به مدت سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد معتبر باشد تضمین (مطابق فرمت تحویلی در اسناد مناقصه) ارائه گردد.

شرایط متقاضی: کلیه شرکتهای توانمند دارای: ۱- گواهینامه رتبه بندی پایه ۵ در رشته تاسیسات و تجهیزات و یا نفت گاز از سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
۲- دارا بودن ظرفیت آزاد در رشته تاسیسات از سایت ساجار و ارایه گواهی چاپ شده
۳- داشتن یک کار مشابه فومینگ و کولینگ در صنعت نفت با ارایه تصویر قرارداد و گواهی حسن انجام کار از کارفرمای مربوطه الزامیست.
۴- ارایه تصویر برابر اصل (اساسنامه، و آگهی آخر ین تغییرات در روزنامه رسمی) و در صورت داشتن تغییرات ارایه اصل گواهی امضاء صادره از دفتر اسناد رسمی برای فرد مجاز به امضا، اسناد تعهد آور الزامیست.
۵ -سی دی تحویلی بخشی از اسناد (شامل نقشه کار و پیش نویس قرارداد و شیوه نامه ها و شرح کار) باید به امضا و مهر فرد مجاز طبق اساسنامه یا آگهی تغییرات برسد.

تذکرات مهم : ۱- تمامی موارد مندرج دربندهای۱تا ۵ بالا بایستی در داخل پاکت ب قرار دهند. ۲- عدم ممنوع المعامله بودن در سطح کلیه شرکت های تابعه وزارت نفت که در (صورت محرز، سپرده شرکت در مناقصه به نفع مناقصه گزار ضبط خواهد شد). پیمانکاران میبا یست حداقل تا ۴۸ ساعت قبل از تحویل پاکات صورتجلسه توجیهی را در یافت و با آگاهی کامل اعلام نرخ نمایند.

تاریخ چاپ نوبت اول: ۹۶/۰۶/۲۲ تاریخ چاپ نوبت دوم: ۹۶/۶/۲۳

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه کرمانشاه